

ای نام تو بهترین سرآغاز

دور از ایران عزیز، ولی با یاد ایران اهورایی همیشه جاوید انتشار سال دوم «ایران نامه» را آغاز می کنیم. به یاد سرزمین کهنسالی به کار خود ادامه می دهیم که از دورترین زمانها تا به امروز همواره صحنه نبرد بی امان اهورمزدا و اهریمن، صحنه پیکار روشنایی و نیکی و آبادانی و راستی با تاریکی و بدی و ویرانی و دروغ بوده است. ولی تاریخ ایران گواهی می دهد که در سرزمین ایران هرگز اهریمن بر اهورمزدا چیرگی مطلق نیافته است، چه پس از هر دوره تیره و تار و وحشت و غم و کشتار و ویرانی به همت زنان و مردان ایران بار دیگر آسایش و آرامش و شادی و آبادانی به ایران بازگردانیده شده و ملت ایران رسالت خود را در نگاهبانی و پیشرفت فرهنگ و تمدن قوم ایرانی از سر گرفته است. ایرانی که هجومهای مرگبار و ویران کننده اسکندر گجستگ، تازیان، غزان، مغولان، تیمور لنگ و آل عثمان را با پیروزی در پشت سر گذاشته است بیقین بر حوادث مشابه آنها در هر عصری غلبه خواهد کرد. مگر نه این است که ملتی هستیم با تاریخ مکتوبی بیش از دو هزار و پانصد سال؟ در سر راه هر ملتی با چنین سابقه- ای دور و دراز همچنان که دوره های آرامش و شادی و خوشی و توانایی و امنیت فراوان بوده است، دوره های ناتوانی و تیره روزی و ویرانی نیز کم نبوده است. اگر کسی در پایداری ایرانیان اندک شک و تردیدی دارد، برای اثبات پایداری این ملت بزرگ در برابر همه مهاجمان یونانی و تازی و ترک و تاتار که بر سرزمین ما تاخته اند تنها به یک شاهد بسنده می کنیم. می دانیم که تیمور گورکان در فاصله سالهای ۷۸۲ تا ۷۹۸ با سپاهیان جرار خونخوارش سه بار به ایران یورش برد. حملات وی به کشور ما بار اول

آغاز سال دوم

جلال متینی

Jalal Matini

ایران‌نامه

مجله تحقیقات ایران‌شناسی

سال دوم، شماره ۱

پائیز ۱۳۶۲ (۱۹۸۳ م)

آغاز سال دوم

ای نام تو بهترین سرآغاز

دور از ایران عزیز، ولی با یاد ایران اهورایی همیشه جاوید انتشار سال دوم «ایران نامه» را آغاز می‌کنسیم. به یاد سرزمین کهنسالی به کار خود ادامه می‌دهیم که از دورترین زمانها تا به امروز همواره صحنه نبرد بی‌امان اهورمزدا و اهریمن، صحنه پیکار روشنایی و نیکی و آبادانی و راستی با تاریکی و بدی و ویرانی و دروغ بوده است. ولی تاریخ ایران گواهی می‌دهد که در سرزمین ایران هرگز اهریمن بر اهورمزدا چیرگی مطلق نیافته است، چه پس از هر دوره تیره و تار و وحشت و غم و کشتار و ویرانی به همت زنان و مردان ایران بار دیگر آسایش و آرامش و شادی و آبادانی به ایران بازگردانیده شده و ملت ایران رسالت خود را در نگاهبانی و پیشرفت فرهنگ و تمدن قوم ایرانی از سر گرفته است. ایرانی که هجومهای مرگ‌بار و ویران‌کننده اسکندر گجستگ، تازیان، غزان، مغولان، تیمور لنگ و آل عثمان را با پیروزی در پشت سر گذاشته است بیقین بر حوادث مشابه آنها در هر عصری غلبه خواهد کرد. مگر نه این است که ملتی هستیم با تاریخ مکتوبی، بیش از دو هزار و پانصد سال؟ در سر راه هر ملتی با چنین سابقه‌ای دور و دراز همچنان که دوره‌های آرامش و شادی و خوشی و توانایی و امنیت فراوان بوده است،

شش سال، بار دوم سه سال و آخرین بار پنج سال ادامه یافت و در تمام این سالها او آنی از تخریب شهرها و کشتار بی دریغ مردم بیگناه بی‌پناه و غارت و تاراج شهرها غفلت نورزید. چنان که در یورش به شهرهای هرات و اسفزار و فجایی که در این دو شهر مرتکب گردید مورخان زمانش نوشته‌اند چنان فاجعه هولناکی در هیچ زمان و مکان بوقوع نپیوسته بوده است. مردم اصفهان هم که اخبار قتل و غارت‌های تیمور از دور و نزدیک به گوششان رسیده بود چاره‌ای جز تسلیم و رضا ندیدند و از در صلح درآمدند. تیمور بر ایشان مالیات سرانه هنگفتی تحمیل کرد که پرداخت آن در توان اصفهانیان نبود، واسطه‌ها انگیزتند، سودی نخشید، ناچار به کشتن تنی چند از مأموران اخذ مالیات دست زدند. تیمور چون از این گستاخی آگاه شد فرمان داد اهالی اصفهان را از کودک و پیر و زن و مرد قتل عام کنند و چنین کردند، هنوز هفته‌ای نگذشته بود که سپاهیان تیمور هفتاد هزار تن از اصفهانیان را کشته و به فرمان تیمور صاحبقران از سر آنان مناره‌ها بر پا ساخته بودند. در ضمن این موضوع را نباید ناگفته گذاشت که همه مورخان نوشته‌اند: تیمور برخلاف چنگیز مردی مسلمان بود، به دینداری تظاهر می‌کرد، به خاندان رسالت و سادات ارادت می‌ورزید و زاهدان و مشایخ صوفیه را نیز تکریم می‌نمود! سرانجام مرگ در سال ۸۰۷ بسراغ تیمور رفت و جهانیان را از شر وجود وی آسوده ساخت. سپس بمرور زمان مردم اصفهان و همه ساکنان ایران زمین بار دیگر زندگانی را از سر گرفتند. هنوز بر آن قتل و غارتها و کله‌منارسازیه‌های تیمور در شهرهای مختلف ایران زمان درازی نگذشته بود که اصفهان نصف جهان، انظار جهانیان را به خود جلب کرد. مسجد شیخ لطف‌الله با گنبد زیبایش سر به آسمان نیلگون اصفهان سود و کاخهای عالی قاپو و چهل ستون و دهها بنای باشکوه دیگر و خیابان چهارباغ که همه نشانه زندگی پر رونق و مرفه مردم اصفهان است در آن سرزمین بهشتی بر پا گردید. مقصود آن است که مردم ایران در طی تاریخ پر فراز و نشیب خود بارها

گرفتار تیره‌روزی شده‌اند ولی هرگز از حرکت و کوشش باز نایستاده‌اند، مدتی افتان و خیزان به حرکت بطیء خود ادامه داده‌اند، و بدیهی است که مشعل تابان علم و دانش و فرهنگ قوم ایرانی نیز در این دوره‌های رکود از پرتو افشانی در ابعاد وسیع بازمانده ولی هرگز خاموش نگردیده است چنان که هرگز نیز خاموش نخواهد شد. ما به یاد ایران وطن عزیزمان کار خود را در نشر «ایران نامه» ادامه می‌دهیم.

از این سخن بگذریم. شرایطی که ما را در یک سال پیش به نشر «ایران نامه» در دیار غربت و ادانست همچنان به قوت خود باقی است. دشمنان ایران و تمدن و فرهنگ ایران و زبان و ادب فارسی و بطور خلاصه دشمنان سربلندی ایران همچنان از دو سوی ایران و ایرانیان می‌تازند: یک دسته فرهنگ ایران و تاریخ ایران و زبان و ادب درخشان فارسی را یادگار دوران کفر و زندقه می‌شمارند و از این که «ایران» پس از چهارده قرن که از ظهور اسلام می‌گذرد هنوز به نام «ایران» بر سر پاست و مردم ایران هنوز به فرهنگ و تمدن خود و زبان فارسی و فردوسی و خیام و سعدی و مولانا جلال‌الدین و حافظ عشق می‌ورزند و به گذشته خود مباهات می‌کنند سخت خشمگین‌اند. دسته دیگر به شیوه چهل ساله گذشته خود تا فرصتی بدست می‌آورند، ندایی در می‌دهند و به خیال خود بر روی کاغذ «ملیت ایرانی» را از چند میلیون مردم ایران سلب می‌کنند و بموازات آن زبان فارسی را هم از بخشی پهناور از سرزمین ایران می‌رانند و زبان دیگری را بجای زبان فارسی زبان رسمی آن منطقه اعلام می‌کنند! بدین جهت ما ناچاریم در چنین شرایطی، و با وجود مشکلات گوناگونی که در سر راهمان هست همچنان به راه خود که دفاع از فرهنگ ایران و زبان و ادب فارسی است با نشر «ایران نامه» ادامه بدهیم.

اگر «ایران نامه» در مدتی کوتاه منشأ خدمتی ولو ناچیز شده باشد، این توفیق مرهون علاقه-مندی و ایران دوستی بی‌شائبه کسانی است که

سپاسگزاری از ایشان در اینجا بر ما فریضه است. نخست باید از همکاری استادان گرامی عضو «هیأت مشاوران» مجله، و سرپرست بخش نقد و بررسی کتاب «سپاسگزاری کنیم» از طرف دیگر وظیفه ماست که تشکر و امتنان خود را به حضور نویسندگان دانشمند و گرامی «ایران نامه» تقدیم بداریم که هر یک از ایشان با وجود گرفتاریها و اشتغالات گوناگون که نتیجه زندگی در سرزمینهای بیگانه است، حاصل تحقیقات ارجمند خود را فقط و فقط از راه عشق به ایران برای چاپ در «ایران نامه» مرحمت می-فرمایند و خوانندگان ما را در سراسر جهان اعم از ایرانی و غیر ایرانی از آثار خود بهره مند می-سازند. و سرانجام از هموطنان عزیز و ارجمند و ایرانشناسان و ایراندوستان گرامی و دانشگاهها و کتابخانه‌های عمومی جهان نیز ممنونیم که «ایران نامه» را از دور و نزدیک مورد تأیید قرار داده‌اند.

با این همه اقبال و توجه، باید به این حقیقت اعتراف کنیم که «ایران نامه» هنوز با یک مجله تحقیقات ایرانشناسی آن چنان که منظور نظر ماست فاصله دارد و این امر معلول عللی است که اهم آنها نشر چنین مجله‌ای است در کشوری بیگانه و عدم دسترسی به همه دانشمندان ایرانی متخصص در زمینه‌های مختلف ایرانشناسی. از طرف دیگر کوشش ما آن است که بر تنوع مقاله-ها بیفزاییم و به همین جهت تا کنون چند بار در «ایران نامه» نوشته ایم که مقاله‌های تحقیقی در همه زمینه‌های مربوط به فرهنگ و تمدن و تاریخ ایران در دوران پیش از اسلام و دوران اسلامی و نیز زبان و ادب فارسی در دوره اسلامی و از جمله دوران معاصر در «ایران نامه» چاپ می‌شود. ذکر این موضوع نیز لازم می‌نماید که ما در این مدت هرگز از پیروی یک اصل منحرف نگردیده-ایم گرچه برخی از خوانندگان گرامی بجدّ از ما خواسته‌اند که راه خود را تغییر بدهیم. ما گفته‌ایم که «ایران نامه» مجله‌ای سیاسی به معنای خاص و مصطلح این کلمه نیست و به این امر معتقدیم زیرا اهمیت مبارزات فرهنگی را در شرایط موجود

کمتراز مبارزات سیاسی نمی‌دانیم. در همین زمینه هموطنی شریف بصراحت از ما خواسته است مجله را تعطیل کنیم و «تفنگ» بدست بگیریم و به راه ابومسلم‌ها برویم. تقاضای ما از این خوانندگان عزیز آن است که اجازه بفرمایند ما به دنبال کاروانی گام برداریم که پیشاهنگان آن ابن مقفع‌ها و فردوسی‌ها هستند. زیرا در این سالها هم روزنامه‌های سیاسی متعددی در خارج از ایران چاپ می‌شود و هم مجله‌هایی با مطالبی ساده‌تر.

و اما در بخش انگلیسی مجله نقائصی بچشم می‌خورد که سعی می‌کنیم حتی المقدور از آنها بکاهیم. از آن جمله با آن که علاقه‌مند بوده-ایم برای نگارش کلمات شرقی به الفبای لاتین شیوه کتابخانه کنگره آمریکا را بکار ببریم که در واحدهای بزرگ علمی آمریکا و کانادا نیز بکار برده می‌شود، ولی از یک طرف چون هر یک از نویسندگان در این موضوع شیوه‌ای خاص بکار می‌برند و از طرف دیگر بسبب آن که چاپخانه هم حروف مخصوص لازم برای این کار را در اختیار ندارد، در نگارش این گونه کلمات ناهماهنگی بچشم می‌خورد و نشانه‌های خاص را نیز ناچاریم با دست اضافه کنیم که البته مطلوب نیست. ضمناً از این شماره به بعد دو بخش فارسی و انگلیسی «ایران نامه» هر یک با شماره صفحات مستقل شماره گذاری خواهد شد. از طرف دیگر با آن که کوشیده ایم «ایران نامه» بی غلط چاپی به دست خوانندگان برسد و چاپخانه نیز در این امر با ما همکاری بسیار کرده است گاه گاه در مجله غلطهای چاپی بچشم می‌خورد بخصوص در شماره چهارم آن. بدین جهت از خوانندگان عزیز تقاضا می‌کنیم اغلاط شماره‌های اول تا چهارم را بر اساس یادداشتی که در این شماره (ص ۲۲۱) افزوده‌ایم تصحیح فرمایند؛ اینها اغلاطی است که از زیر چشم «غلط گیر» مجله رد شده است.

در خاتمه بار دیگر از خوانندگان گرامی که ما را در ادامه راهی که در پیش گرفته‌ایم صمیمانه و با محبت تأیید می‌فرمایند سپاسگزاری می‌کنیم.